

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

14da170cd00f7cb2e1a2c4f43cd89144ef58cd124785d1d2389f8e0688b22d73

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

بررسی علل توقف فعالیت برخی از صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی

حشمت‌اله سعدی^۱

سمیه آرمند^۲

احمد یعقوبی فرانی^۳

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال بررسی بررسی علل توقف فعالیت برخی از صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی است. این تحقیق از نوع کاربردی و روش تحقیق آن، پیمایش است که در آن کلیه اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی منحل شده در استان همدان به صورت تمام شماری (N=۸۵) انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه است که روایی آن با بهره‌گیری از نظرات اساتید رشته‌ی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی همدان و کارشناسان جهاد کشاورزی تایید شد و پایایی آن نیز با استفاده از فرمول کرونباخ-آلفا ($\alpha=0.81$) محاسبه گردید. مشکلات صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی با استفاده از روش تحلیل عاملی در چهار عامل دسته‌بندی گردید. نتایج نشان می‌دهد مهمترین مشکلات شامل ۱- ضعف روابط انسانی و عدم توانایی هیئت مدیره، ۲- ضعف سیستم وام‌دهی و مقررات مالی، ۳- عدم مشارکت و اعتماد اعضا صندوق‌های اعتبارات خرد، ۴- عدم تجهیز پس‌اندازها توسط هیئت مدیره است و مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این چهار عامل، ۵۵/۴۶۹ می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اعتبارات خرد، مشکلات و چالش‌ها، صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، استان همدان.

۱- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان hsaadi48@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان

۳- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان



۱- مقدمه

در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی، توجه به گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله زنان که حدودی نیمی از جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهند اهمیت و ضرورت اساسی دارد. زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی، نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای هستند بلکه عامل پیش‌برد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز به شمار می‌آیند. این منبع انسانی مهم است و به کار گرفتن صحیح و مطلوب آن نیل به اهداف توسعه را آسان تر می‌کند. بر این مبنا امروزه مشارکت زنان در توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی روستاها نه یک مسئله اختیاری که یک امر ضروری است و آن دسته از جوامع که نیاز به مشارکت زنان را جدی تلقی نکرده‌اند دچار شکست‌هایی شده‌اند که کار توسعه و تأمین رفاه و امنیت جامعه را به تأخیر انداخته‌اند (صفری‌شالی، ۱۳۸۰:۱۱۳). در حال حاضر، راهبردهای مختلف توسعه بر مشارکت مردمی به طور اعم و مشارکت زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه به طور اخص، به عنوان تضمین موفقیت هر نوع برنامه توسعه‌ای تأکید می‌کند (زارع و میرباقری، ۱۳۹۱:۳۹۹). بر این مبنا بود که برنامه‌های اعتبارات خرد با هدف بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش بیکاری و بوجود آوردن اشتغال به صورت خوداشتغالی و کارآفرینی، محور نابرابری‌های اجتماعی و کاهش فقر در مناطق شهری و روستایی و همچنین افزایش مشارکت زنان در بازار کار در بسیاری از کشورهای دنیا اتخاذ شد. (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵:۴۵).

مایوکس (۱۹۹۷)، معتقد است دسترسی زنان به اعتبارات، منجر به افزایش درآمد آنها، دسترسی به شبکه‌های اطلاعات و بازار، ارتقاء جایگاه زنان در مشارکت اقتصادی خانواده، افزایش مشارکت آنها در تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های خانواده و بهبود دیدگاه عمومی در مورد نقش زنان در خانواده و جامعه می‌گردد، به این ترتیب مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در نهادهای اجتماعی- سیاسی و حتی خانواده ارتباط مستقیمی با مشارکت آنان در امور اقتصادی دارد. اعتبارات خرد به عنوان یک گزینه می‌تواند سرمایه لازم را برای زنان ایجاد کند (قربانی و نعمتی، ۱۳۹۰:۱۱۹). بر این اساس مجمع عمومی سازمان ملل در پنجاه و سومین اجلاس خود در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۸ برای نشان دادن اهمیت هرچه بیشتر اعتبارات خرد، سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال اعتبارات خرد نامگذاری کرد تا برنامه‌های اعتبارات خرد در سطح جهان مورد توجه و تأکید بیشتر قرار گیرند (بختیاری، ۱۳۸۹:۱). طبق آمارهای موجود حدود ۹۷ درصد از زنان هدف اعتبارات خرد است (علم، ۲۰۱۲:۴۱). ارائه دهندگان اعتبارات خرد ترجیح می‌دهند که زنان به عنوان مشتریان اعتبارات خرد باشند چرا که زنان قابل اعتمادتر هستند و تجربه درک عمیق‌تری از فقر و گرسنگی و قحطی داشته و از سطح تجربه‌ی مدیریت خانواده با فقدان امکانات ضروری برخوردارند. (قلی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۴:۳۴۹). بدین منظور دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهادکشاورزی کشور با بهره‌گیری از تجربه گرامین بانک بنگلادش و بنا به اهمیت بهبود وضعیت اقتصادی کشور، عدالت اجتماعی و کاهش بیکاری و فقر در مناطق روستایی پروژه تشکیل صندوق اعتبارات خرد را از سال ۱۳۷۹ به اجرا درآورده است (دفتر امور زنان روستایی و عشایری، ۱۳۸۹). طبق آمار دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی ۷۲۲ صندوق اعتبارات خرد زنان با عضویت حدود ۲۱ هزار زن روستایی در سطح کشور فعالیت می‌نمایند. صندوق اعتبارات خرد به گروه‌های کوچک، کم درآمد و آسیب پذیر در سطح روستاها اختصاص دارد و در واقع گروه هدف این صندوق ها زنان سرپرست خانوار و محروم اند و تشکیل صندوق های اعتبارات خرد در هر منطقه موجب تغییر و تحولات شگرفی در وضعیت اقتصادی - اجتماعی این گروه شده است.

اما ممکن است در عمل برنامه‌های اعتبارات خرد در هر شرایطی کارآمد نباشد به طوری که می‌تواند نتایج نامطلوبی پدید آورند. با وجود اهمیت نقش اعتبارات خرد و لزوم تشکیل این صندوق‌ها عواملی هستند که مانع از رسیدن صندوق به اهداف خود می‌باشد. به طوری که با وجود موفقیت این صندوق‌های در ارائه وام به فقرا و زنان و ایجاد تغییرات اجتماعی و



اقتصادی عواملی هستند که باعث برچیده شدن و انحلال هر چه بیشتر آنها می‌شود. چراکه اعتبارات خرد متکی بر ضمانت‌های اجتماعی است، فشار اجتماعی وام‌گیرندگان را ناچار می‌کند که به هر نحوی وام خود را بازپرداخت کنند. گاهی دیده شده است که مشتریان برنامه‌ها، برای بازپرداخت وام از منابع غیررسمی قرض کرده‌اند، مصرف خود را کاهش داده‌اند یا حتی لوازم زندگی خود را فروخته‌اند. بدین ترتیب، در مواردی برنامه‌ها به وخیم‌تر شدن وضعیت فقرا منجر شده است (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹: ۳). تحمیل فشار اعضای گروه برای بازپرداخت وام، به جای تلاش برای بالا بردن مسئولیت جمعی و توانمندسازی وام‌گیرنده که از اهداف اعتبارات خرد است بیشتر مشهود است، هرچند بسیاری از وام‌گیرندگان بازپرداخت منظمی دارند، ولی در برخی خانواده‌ها به دلیل بدهی که از موسسات اعتبارات خرد دارند اضطراب و تنش در میان اعضا خانواده بوجود می‌آید (رحمان، ۱۹۹۸: ۶۷).

طبق تحقیقات مافی (۱۳۸۵: ۳۸) موسسات مالی خرد نیاز به تدوین مقررات و سازکارهای مناسب برای پرداخت های خود و همچنین بازپرداخت به موقع وام‌ها از سوی دریافت‌کنندگان دارند و تنها در صورت وجود قوانین روشن و درست برای آنها می‌توان بقا و پایداری را انتظار داشت. براساس آمار و اطلاعات مشخص شده، که زنان سرپرست خانوار که اعتبارات دریافتی را صرف فعالیت تولیدی کرده‌اند در مقایسه با زنانی که این تسهیلات را در موارد مصرفی به کار گرفته‌اند کمتر بوده است. چرا که میزان مبلغ تسهیلات بر نوع مصرف آن تاثیر دارد. از طرفی هم نمی‌توان به افراد فاقد هرگونه امکانات اقتصادی برای ایجاد فعالیت تولیدی کمک کرد چرا که ناگزیر این تسهیلات به مجرای مصرفی کشیده می‌شوند. تا زمانی که زنان به مراحل گوناگون فعالیت آگاهی نداشته باشند و مهمتر از آن انگیزه تولید در آنها ایجاد نشود. پرداخت این گونه مبالغ ثمربخش نخواهد بود (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶: ۱) و (علم، ۲۰۱۲: ۵۰). طبق مطالعات جلالی موسوی هم (۱۳۸۶: ۳) شرکت در برنامه های صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی و برنامه پشتیبانی از خدمات مالی روستا تغییری در شاخص های درآمدی، دارایی، هزینه های خوراک و پوشاک یا پس انداز ایجاد نکرده است.

برخی مطالعات نیز گویای آن است که فقرا با اخذ وام‌های خرد، بیشتر فقیر شده‌اند که ناشی از بدهی و بازپرداخت وام-هاست (خاندکر، ۲۰۰۵: ۱). چرا که برای وام‌گیرنده اعتبار به معنی بدهی است و اگر دریافت وام به افزایش درآمد و دارایی منجر نشود برای مثال، کسب و کاری که در آن سرمایه‌گذاری کرده است شکست بخورد، مشکل بدهکاری نیز به مشکلات دیگر وی افزوده خواهد شد (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹: ۴۸). طبق مطالعات وستور (۲۰۰۸: ۱) استفاده از خشونت و اجبار برای بازپرداخت وام در موسسات اعتبارات خرد بیش از حد شده است و نگرانی مطرح شده در زمینه اعتبارات خرد هم این است که تکیه بر تامین مالی خرد ممکن است باعث کاهش کمک‌های دولتی و خیریه به فقرا شود. از سوی دیگر نگرانی برخی پژوهشگران از آن بابت است که بخش قابل توجهی از زنانی که می‌توانند به اعتبارات مالی دسترسی داشته باشند، ممکن است نتوانند شخصاً کنترل وام‌های دریافتی را در اختیار بگیرند (کرمی و مهدی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۳). همچنین انور (۲۰۱۳: ۱۲) نیز معتقد است دسترسی زنان به اعتبارات خرد بهبود اقتصادی را هم ممکن است به بار نیاورد، چرا که در این صورت آنها فقط مجرای دریافت وام برای سایر اعضای خانواده خواهند بود. در حال حاضر شواهد کافی نشان می‌دهد که وام‌گیرندگان بازپرداخت وام‌های خود را حتی زمانی که کسب و کار موقتی هم دارند به تأخیر می‌اندازند (خاول، ۲۰۱۰: ۵۷).

ضعف دیگر برنامه‌های اعتبارات خرد در خصوص زمان بازپرداخت وام‌هاست. چون فرض بر این است که بسیاری از فعالیت‌های امرار معاش در این برنامه‌ها، باید درآمد هفتگی یا روزانه داشته باشند و چرخه بازگشت سرمایه در آنها بسیار کوتاه باشد، وام‌گیرندگان باید بازپرداخت هفتگی داشته باشند. در واقع در بسیاری از این فعالیت‌ها تقریباً غیر ممکن است که هرگونه بازگشت قابل توجهی در عرض یک هفته از شروع سرمایه‌گذاری داشته باشند، مثل کشاورزی و دامداری، در نتیجه



بسیاری از وام‌گیرندگان اعتبار دریافتی را در امور مصرفی به کار می‌گیرند (احسن و رحمان، ۲۰۰۶: ۱). همچنین مبلغ وام و اینکه در برنامه‌های اعتبارات خرد تنها به درصد معینی از هر گروه از زنان وام اعطا می‌شود از دیگر نقاط ضعف اعتبارات خرد می‌باشد. (سامانیتان، ۲۰۱۰: ۴).

از دیگر چالش‌های اعتبارات خرد، تورم همراه با کاهش ارزش پول در زمانی که سرمایه صندوق ثابت است، سبب کم شدن سرمایه واقعی خواهد شد و با ثابت ماندن تعداد وام‌گیرنده در هر دوره ارزش واقعی وام پایین می‌آید (خزایی، ۱۳۷۹: ۶۶). رحیمی (۱۳۹۲) بیان می‌دارد که صندوق‌های اعتبارات خرد فاقد جایگاه قانونی مناسب در سیستم بانکی و مالی هستند و از طرف نهاد بانکی کشور حمایت نمی‌شوند و در سیستم بازاریابی محصول تولیدی اعضاء آن ضعف وجود دارد. همچنین معظمی و همکاران (۱۳۸۴: ۳۰۹) بیان می‌دارند نداشتن ساختار حقوقی، تورم و نبود یک نظام استاندارد واحد برای نگاهداری و ثبت عملیات مالی از جمله مشکلات صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی می‌باشد. براین مبنا با شناخت و ریشه‌یابی مسائل و مشکلات صندوق‌های منحل شده می‌توان برای جلوگیری از غیر فعال شدن صندوق‌های بیشتر و همچنین احیای صندوق‌های منحل شده راهکارهای لازم شناسایی شوند. لذا، این پژوهش با هدف کلی بررسی مشکلات و چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی انجام شد.

جهت نیل به این هدف اهداف اختصاصی زیر دنبال می‌شود.

- بررسی ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای اعضای صندوق‌های مورد مطالعه
- بررسی و اولویت‌بندی مشکلات صندوق‌های مورد مطالعه از دید زنان عضو صندوق
- بررسی و شناسایی عوامل کلیدی مشکلات صندوق‌های مورد مطالعه

۲- روش تحقیق

نوع تحقیق، کاربردی^۱ و روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی- توصیفی^۲ است که با هدف بررسی مشکلات صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در استان همدان در سال ۱۳۹۳ انجام گرفته است. جامعه آماری شامل ۸۵ عضو صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی استان همدان است که در طی چند سال گذشته منحل شده‌اند. با توجه به محدود بودن جامعه تحقیق از روش سرشماری برای مطالعه نمونه‌ها استفاده شده است. در پژوهش حاضر، برای تدوین چارچوب نظری، از اسناد، کتاب‌ها، نشریه‌ها و مجله‌ها، آمارنامه‌ها و اینترنت استفاده شده است. اما مهمترین ابزار برای جمع-آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق، پرسش‌نامه است. سوالات پرسشنامه شامل ۶۶ سوال در دو بخش مشخصات فردی و پرسش‌های اصلی تنظیم شده بود. جهت تعیین روایی پرسشنامه‌ها از نظرات اساتید گروه ترویج آموزش کشاورزی، کارشناسان امور زنان روستایی و عشایری جهاد کشاورزی استفاده گردید. به منظور تعیین اعتبار پرسشنامه‌ها در این تحقیق مرحله پیش‌آزمون پرسشنامه توسط محقق انجام شد و نواقص احتمالی آن در حین تکمیل پرسشنامه توسط اعضا صندوق‌های اعتبارات خرد شناسایی و برطرف شد، برخی از سوال‌های پرسشنامه‌ها حذف و برخی اصلاح و تعدادی هم اضافه شد. پس از جمع-آوری اطلاعات، پایایی ابزار تحقیق به وسیله آلفای کرونباخ در برنامه نرم افزاری SPSS/ ۱۸ مورد بررسی قرار گرفت.

(α= /۸۱)



۳- نتایج و بحث

۳-۱- ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای اعضای صندوق‌های مورد مطالعه

یافته‌ها نشان داد که میانگین سن پاسخگویان ۴۰ سال با انحراف معیار ۱۰ سال است که اکثریت آن‌ها (۳۲/۹ درصد) در گروه سنی ۳۱-۴۰ سال قرار دارند. بررسی سطح تحصیلات پاسخگویان نشان داد که اکثریت افراد مورد مطالعه (۸۳/۵ درصد) راهنمایی و پایین‌تر از راهنمایی است و تنها ۱۶/۵ درصد از آن‌ها تحصیلات دبیرستانی و بالاتر دارند. حوزه فعالیت اکثریت اعضا (۵۸/۸ درصد) صنایع دستی است. میانگین سابقه عضویت اعضا ۲/۵ سال با انحراف معیار ۲ سال بوده است که اکثریت آن‌ها (۷۲/۹ درصد) بین ۱ تا ۲ سال عضو صندوق بوده‌اند. بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه (۶۱/۲ درصد) از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی و ۳۸/۸ درصد از طریق اقوام و خویشاوندان با صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی آشنا شده‌اند. اکثریت افراد (۶۵/۹ درصد) یکبار وام و ۱۶/۵ درصد سه بار وام از صندوق دریافت کرده‌اند. بیشترین فراوانی (۷۰/۶ درصد) مربوط به وام‌های دویست هزار تومانی و (۲/۴ درصد) مربوط به وام‌های صد هزار تومانی است. اکثریت اعضا (۷۸/۸ درصد) وام خود را به صورت ماهانه و (۲/۴ درصد) به صورت هفتگی بازپرداخت کرده‌اند. ۳۲/۵ درصد از افراد مورد مطالعه وام خود را صرف خرید لوازم و ابزار کار از جمله وسایل چرم‌دوزی، قالیبافی و خیاطی کرده‌اند.

۳-۲- مشکلات صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی از دید زنان عضو

جدول (۱) مشکلات صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی را نشان می‌دهد، براساس نتایج بدست آمده، از بین متغیرها، نبود توازن بین درآمد و هزینه‌های تولیدی اعضا (میانگین ۳/۶۱ و ضریب تغییرات ۰/۱۷۶) در اولویت اول و ارتباط محدود اعضای صندوق با هیئت مدیره (میانگین ۳/۳۱ و ضریب تغییرات ۰/۶۹۰) در اولویت دوم قرار گرفته است. و نداشتن اعتماد و اطمینان اعضا به یکدیگر (میانگین ۲/۸۴ و ضریب تغییرات ۰/۳۶۳) در اولویت آخر قرار دارد. به عبارتی اکثر زنانی که وام دریافت کرده‌اند وام خود را صرف خرید لوازم و ابزار کار از جمله چرم‌دوزی، قالیبافی کرده‌اند اما به دلیل تورم، بین درآمد حاصل از کسب و کار و هزینه‌های تولیدی شان توازن وجود نداشته است و این خود باعث عدم انگیزه برای دریافت وام شده است. و از سویی دیگر رابطه بین اعضا و هیئت مدیره بسیار کم‌رنگ بوده است چرا که بسیاری از تصمیمات توسط هیئت مدیره انجام می‌شده و هیئت مدیره، اعضا را در جریان مسائل و مشکلات صندوق قرار نمی‌دادند. اما از طرفی بین اعضای صندوق اعتماد و اطمینان زیادی وجود داشته است.

جدول (۱) اولویت بندی مشکلات صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی از دید زنان عضو

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۰/۱۷۶	۰/۶۳۸	۳/۶۱	نبود توازن بین درآمد و هزینه‌های تولیدی اعضا
۲	۰/۲۰۸	۰/۶۹۰	۳/۳۱	ارتباط محدود اعضای صندوق با هیئت مدیره
۳	۰/۲۱۰	۰/۷۶۷	۳/۶۵	عدم بازپرداخت به موقع اقساط وام توسط وام‌گیرندگان
۴	۰/۲۱۴	۰/۶۷۵	۳/۱۴	عدم تجمع و ساماندهی پس‌اندازها توسط هیئت مدیره
۵	۰/۲۲۱	۰/۸۴۲	۳/۸۰	دخالت محدود اعضا در تصمیم‌گیری‌های صندوق
۶	۰/۲۳۵	۰/۷۳۷	۳/۱۳	دسترسی کم اعضا به نهاده‌های تولیدی
۷	۰/۲۴۲	۰/۸۰۲	۳/۳۱	پایین بودن مبلغ وام‌های دریافتی
۸	۰/۲۴۴	۰/۷۶۲	۳/۱۲	تعامل و ارتباط محدود اعضا با یکدیگر



۹	۰/۲۵۱	۰/۸۳۴	۳/۳۲	واگذاری زودهنگام صندوق توسط کارشناسان جهاد کشاورزی
۱۰	۰/۲۵۵	۰/۸۳۳	۳/۲۶	تعامل و ارتباط محدود اعضا با هیئت مدیره
۱۱	۰/۲۵۸	۰/۷۶۱	۲/۹۴	برگزاری جلسات طولانی مدت
۱۲	۰/۲۵۹	۰/۷۳۸	۲/۸۴	مشارکت محدود اعضا در برگزاری جلسات صندوق
۱۳	۰/۲۶۰	۰/۹۰۸	۳/۴۸	عدم توانایی اداره امور صندوق توسط هیئت مدیره
۱۴	۰/۲۶۵	۰/۹۷۸	۳/۶۸	مشارکت محدود اعضا در برنامه‌ریزی‌های صندوق
۱۵	۰/۲۶۷	۰/۸۹۸	۳/۳۶	ناکافی بودن سرمایه اولیه صندوق
۱۶	۰/۲۶۸	۰/۸۰۹	۳/۰۱	عدم مسئولیت‌پذیری اعضا
۱۷	۰/۲۶۸	۰/۸۲۲	۳/۰۶	نا آگاهی و عدم اطلاع رسانی از شرایط اقتصادی و تحولات بازار
۱۸	۰/۲۷۵	۰/۸۸۰	۳/۱۹	کمبود اعتبار نسبت به تعداد متقاضیان
۱۹	۰/۲۷۵	۰/۹۷۱	۳/۵۲	عدم نظارت هیئت مدیره بر مصرف وام
۲۰	۰/۲۷۶	۰/۷۸۴	۲/۸۴	تعداد زیاد اقساط وام
۲۱	۰/۲۷۷	۱/۰۳۷	۳/۷۴	عدم تصمیم‌گیری جمعی و شورایی
۲۲	۰/۲۷۹	۰/۸۸۹	۳/۱۸	به صرفه نبودن فعالیت تولیدی ناشی از مشارکت اعضای صندوق
۲۳	۰/۲۷۹	۰/۹۳۵	۳/۳۵	بی اعتمادی به فعالیت و عملکرد هیئت مدیره
۲۴	۰/۲۸۰	۱/۰۶۷	۳/۸۰	عدم تعامل و ارتباط اعضای صندوق با جهاد کشاورزی
۲۵	۰/۲۸۳	۰/۹۶۸	۳/۴۲	نداشتن نقش موثر اعضا در تعیین همگروه‌های خود
۲۶	۰/۲۹۴	۰/۸۸۰	۲/۹۹	مبلغ زیادی اقساط وام
۲۷	۰/۲۹۶	۰/۸۴۳	۲/۸۴	بی توجهی هیئت مدیره بر توزیع عادلانه وام
۲۸	۰/۲۹۶	۰/۹۱۰	۳/۰۷	رفتار نامناسب هیئت مدیره در پرداخت و بازپرداخت وام
۲۹	۰/۳۰۰	۰/۹۸۱	۳/۲۷	احساس نابرابری و اختلاف اعضا در صندوق
۳۰	۰/۳۰۰	۱/۰۴۱	۳/۴۶	عدم مسئولیت‌پذیری هیئت مدیره
۳۱	۰/۲۹۴	۰/۸۸۰	۲/۹۹	علاقتمندی کم اعضا به کارگروهی و دسته جمعی
۳۲	۰/۳۰۲	۱/۰۲۵	۳/۳۹	نارضایتی از انتخاب هیئت مدیره
۳۳	۰/۳۰۳	۰/۹۳۰	۳/۰۶	نا آشنایی اعضا با روش تجهیز پس‌انداز و کارکرد ضمانت گروهی
۳۴	۰/۳۰۵	۰/۸۲۰	۲/۶۸	عدم اطلاع رسانی هیئت مدیره از برگزاری جلسات و برنامه‌های صندوق
۳۵	۰/۳۰۸	۰/۸۶۶	۲/۸۱	کوتاه مدت بودن دوره‌ی بازپرداخت
۳۶	۰/۳۲۲	۰/۹۱۹	۲/۸۵	نداشتن تمایل اعضا به پس‌انداز کردن
۳۷	۰/۳۲۶	۱/۰۵۱	۳/۲۲	نا آگاهی از شیوه‌های جدید فعالیت تولیدی اعضا
۳۸	۰/۳۶۰	۱/۰۸۰	۳/۰۰	برگزاری جلسات به صورت نامنظم
۳۹	۰/۳۶۳	۱/۰۳۳	۲/۸۴	نداشتن اعتماد و اطمینان اعضا به یکدیگر

خیلی زیاد = ۱ زیاد = ۲ متوسط = ۳ کم = ۴ خیلی کم = ۵

۳-۳- گروه بندی متغیرهای مشکلات صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی

به منظور طبقه بندی و دستیابی به متغیرهای کلیدی در مطالعه حاضر از تحلیل عاملی استفاده شده است. در این روش علاوه بر کاهش تعداد متغیرها می توان به عوامل کلیدی دست یافت و سهم هر یک را مشخص نمود. محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از این تکنیک مناسب بوده ($KMO=0/612$) و آماره بارتلت نیز در سطح ۹۹ درصد معنی دار بوده است. جدول (۲). در این بررسی چهار عامل استخراج شد که نتیجه در جدول (۳) به همراه مقدار ویژه و درصد واریانس مربوطه ذکر شده است.

جدول (۲) میزان KMO و آزمون بارتلت	
KMO	۰/۶۱۲
Bartlett's Test	۱/۱۷۹E3
Df	۳۰۰
Sig	۰/۰۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۳) عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
عامل اول	۴/۶۷۳	۱۸/۶۹۲	۱۸/۶۹۲
عامل دوم	۳/۶۸۹	۱۴/۷۹۳	۳۳/۴۸۵
عامل سوم	۲/۷۶۹	۱۱/۱۸۲	۴۴/۶۶۸
عامل چهارم	۲/۷۰۰	۱۰/۸۰۱	۵۵/۴۶۹

ماخذ: یافته‌های تحقیق

براساس نتایج بدست آمده بیشترین مقدار ویژه (۴/۶۷۳) مربوط به ضعف روابط انسانی اعضای هیئت مدیره با اعضای صندوق و عدم توجه به توانایی هیئت مدیره در اداره کردن صندوق روستاهای مورد مطالعه است که ۱۸/۶۹۲ درصد از واریانس را تبیین می کند؛ پس از آن به ترتیب عامل ضعف سیستم وام‌دهی و مقررات مالی (۱۴/۷۹۳ درصد)، عامل عدم مشارکت و اعتماد (۱۱/۱۸۲ درصد)، عامل عدم تجهیز پس اندازها توسط هیئت مدیره (۱۰/۸۰۱ درصد) در رتبه های بعدی قرار دارند. در مجموع چهار عامل مذکور توانسته‌اند، ۵۵/۴۶۹ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین نمایند.



جدول ۴) عامل‌ها و متغیرهای بارگذار شده همراه با بار عاملی

عامل	گویه‌ها	بار عاملی
ضعف روابط انسانی و	عدم مسئولیت‌پذیری هیئت مدیره	۰/۸۳۶
عدم توجه به توانایی	رفتار نامناسب هیئت مدیره در پرداخت و بازپرداخت وام	۰/۷۹۴
هیئت مدیره	بی اعتمادی به فعالیت و عملکرد هیئت مدیره	۰/۷۴۳
	ارتباط محدود اعضای صندوق با هیئت مدیره	۰/۶۹۶
	نا آگاهی و عدم اطلاع رسانی از شرایط اقتصادی و تحولات بازار	۰/۶۱۱
	عدم اطلاع رسانی هیئت مدیره از برگزاری جلسات و برنامه‌های صندوق	۰/۶۰۱
	نارضایتی از انتخاب هیئت مدیره	۰/۵۰۱
	عدم توانایی اداره امور صندوق توسط هیئت مدیره	۰/۴۶۸
	تعامل و ارتباط محدود اعضا با هیئت مدیره	۰/۴۶۱
ضعف سیستم وام‌دهی و	کوتاه مدت بودن دوره‌ی بازپرداخت	۰/۸۷۲
مقررات مالی	تعداد زیاد اقساط وام	۰/۸۵۲
	زیادی مبلغ اقساط وام	۰/۷۲۶
	پایین بودن مبلغ وام‌های دریافتی	۰/۶۸۳
	ناکافی بودن سرمایه اولیه صندوق	۰/۶۰۵
	کمبود اعتبار نسبت به تعداد متقاضیان	۰/۵۵۷
عدم مشارکت و اعتماد	احساس نابرابری و اختلاف در صندوق	۰/۷۸۶
	نداشتن اعتماد و اطمینان اعضا به یکدیگر	۰/۷۵۵
	عدم تعامل و ارتباط اعضای صندوق با جهاد کشاورزی	۰/۵۹۴
	نداشتن نقش موثر اعضا در تعیین همگروه‌های خود	۰/۴۶۹
	به صرفه نبودن فعالیت تولیدی ناشی از مشارکت اعضای صندوق	۰/۵۵۷
عدم تجهیز پس‌اندازها	نداشتن تمایل اعضا به پس‌انداز کردن	۰/۷۰۵
توسط هیئت مدیره	عدم جمع‌آوری و ساماندهی پس‌اندازها توسط هیئت مدیره	۰/۶۱۷
	نا آشنایی اعضا با روش تجهیز پس‌انداز و کارکرد ضمانت گروهی	۰/۴۴۷

ماخذ: یافته‌های تحقیق

عامل اول- ضعف روابط انسانی و عدم توجه به توانایی هیئت مدیره: متغیرهایی که در عامل اول قرار گرفته‌اند عبارتند از: عدم مسئولیت‌پذیری هیئت مدیره، رفتار نامناسب هیئت مدیره در پرداخت و بازپرداخت وام، بی اعتمادی به فعالیت و عملکرد هیئت مدیره، ارتباط محدود اعضای صندوق با هیئت مدیره، نا آگاهی و عدم اطلاع رسانی از شرایط اقتصادی و تحولات بازار، عدم اطلاع رسانی هیئت مدیره از برگزاری جلسات و برنامه‌های صندوق، نارضایتی از انتخاب هیئت مدیره، عدم توانایی اداره امور صندوق توسط هیئت مدیره، تعامل و ارتباط محدود اعضا با هیئت مدیره. لذا با توجه به ماهیت متغیرهای که در این عامل قرار گرفته‌اند این عامل تحت عنوان عامل ضعف روابط انسانی و عدم توجه به توانایی هیئت مدیره نام‌گذاری شده که مقدار ویژه آن ۴/۶۷۳ می‌باشد و از تمامی عوامل دیگر بزرگتر است. این عامل بیشترین تاثیر و بیشترین اهمیت را در تبیین متغیرها داشته و ۱۸/۶۹۲ درصد از کل واریانس متغیرها را به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت



ضعف روابط انسانی و عدم توجه به توانایی هیئت مدیره مهم‌ترین سازه‌ی موثر بر انحلال صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی بوده است.

عامل دوم - ضعف سیستم وام‌دهی و مقررات مالی: متغیرهایی که در عامل دوم قرار گرفته‌اند عبارتند از: کوتاه مدت بودن دوره‌ی بازپرداخت، تعداد زیاد اقساط وام، زیادی مبلغ اقساط وام، پایین بودن مبلغ وام‌های دریافتی، ناکافی بودن سرمایه اولیه صندوق، کمبود اعتبار نسبت به تعداد متقاضیان. همان‌گونه که در جدول (۳) نیز مشخص است، مقدار ویژه این عامل برابر است با ۳/۶۹۸ که بعد از ضعف روابط انسانی و عدم توجه به توانایی هیئت مدیره در رده دوم قرار دارد. این عامل در مجموع ۱۴/۷۹۳ درصد از واریانس کل متغیرهای تحت بررسی را تبیین می‌کند.

عامل سوم - عدم مشارکت و اعتماد: متغیرهایی که در مجموع این عامل را ساخته‌اند عبارتند از: احساس نابرابری و اختلاف در صندوق، نداشتن اعتماد و اطمینان اعضا به یکدیگر، عدم تعامل و ارتباط اعضای صندوق با جهاد کشاورزی، نداشتن نقش موثر اعضا در تعیین همگروه‌های خود، به صرفه نبودن فعالیت تولیدی ناشی از مشارکت اعضای صندوق. مقدار ویژه این عامل برابر است با ۲/۷۹۶ می‌باشد و براساس جدول (۳) این عامل ۱۱/۱۸۲ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داده است

عامل چهارم - تجهیز پس‌اندازها: نداشتن تمایل اعضا به پس‌انداز کردن، عدم تجمیع و ساماندهی پس‌اندازها توسط هیئت مدیره، نا‌آشنایی اعضا با روش تجهیز پس‌انداز و کارکرد ضمانت گروهی. سه متغیر تشکیل دهنده این عامل هستند. مقدار ویژه این عامل برابر ۲/۷۰۰ می‌باشد و ۱۰/۸۰۱ درصد از کل واریانس متغیرها را به خود اختصاص داده است.

۴- نتیجه‌گیری

مایوکس (۱۹۹۷)، معتقد است دسترسی به اعتبارات، منجر به افزایش درآمد زنان، دسترسی به شبکه‌های اطلاعات و بازار، ارتقاء جایگاه زنان در مشارکت اقتصادی خانواده، افزایش مشارکت آنها در تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های خانواده و بهبود دیدگاه عمومی زنان در مورد نقش زنان در خانواده و جامعه می‌گردد، به این ترتیب مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در نهادهای اجتماعی- سیاسی و حتی خانواده ارتباط مستقیمی با مشارکت آنان در امور اقتصادی دارد. اعتبارات خرد به عنوان یک گزینه می‌تواند سرمایه لازم را برای زنان ایجاد کند (قربانی و نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). اما ممکن است در عمل برنامه‌های اعتبارات خرد در هر شرایطی کارآمد نباشد به طوری که می‌تواند نتایج نامطلوبی پدید آورند. با وجود اهمیت نقش اعتبارات خرد و لزوم تشکیل این صندوق‌ها عواملی هستند که مانع از رسیدن صندوق به اهداف خود می‌باشد. به طوری که با وجود موفقیت این صندوق‌های در ارائه وام به فقرا و زنان و ایجاد تغییرات اجتماعی و اقتصادی عواملی هستند که باعث برچیده شدن و انحلال هر چه بیشتر آنها می‌شود. بنابراین بهترین کار برای ریشه‌یابی مسائل و مشکلات صندوق‌ها، مطالعه و بررسی صندوق‌های ناموفق و آگاهی از علل ناکامی آنها می‌باشد. تا از این طریق با شناخت مسائل و مشکلات پیش‌روی صندوق‌های اعتبارات خرد برای جلوگیری از غیرفعال شدن صندوق‌های بیشتر و همچنین احیای صندوق‌های منحل شده راهکارهای لازم شناسایی شوند. براساس نتایج بدست آمده در این پژوهش، از بین مشکلات صندوق‌ها، نبود توازن بین درآمد و هزینه‌های تولیدی اعضا و ارتباط محدود اعضای صندوق با هیئت مدیره مهم‌ترین این مشکلات بوده است که نتایج علاءالدینی و جلالی‌موسوی (۳: ۱۳۸۹) آن را تایید می‌کند. همچنین نتایج تحلیل عاملی نشان داد که مشکلات صندوق‌ها را می‌توان در چهار عامل از جمله ۱- ضعف روابط انسانی و عدم توانایی هیئت مدیره، ۲- ضعف سیستم وام‌دهی و مقررات مالی، ۳- عدم مشارکت و اعتماد اعضا صندوق‌های اعتبارات



خرد، ۴- عدم تجهیز پس اندازها توسط هیئت مدیره دسته‌بندی کرد. که این نتایج با مطالعات (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۳:۱۳۸۹)، (رحمان، ۱۹۹۸:۶۷)، (مافی، ۳۸:۱۳۸۵)، (طالب و نجفی اصل، ۱:۱۳۸۶)، (علم، ۵۰:۲۰۱۲)، (خاندر، ۱:۲۰۰۵)، (وستور، ۱:۲۰۰۸)، (خاول، ۵۷:۲۰۱۰)، (احسن و رحمان، ۱:۲۰۰۶)، (سامانیتان، ۴:۲۰۱۰) و (معظمی و همکاران، ۳۰۹:۱۳۸۴) همخوانی دارد. بنابراین در این راستا راهکارهای در جدول (۵) ارائه شده است..

جدول ۵) راهکارهایی در جهت رفع چالش‌ها و مشکلات صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی

چالش‌ها و مشکلات	راهکارها
ضعف روابط انسانی و عدم توانایی هیئت مدیره	<ul style="list-style-type: none"> - توجه ویژه بر انتخاب هیئت مدیره براساس معیارهایی همچون تحصیلات، سن و ... - شفاف‌سازی بیشتر اصول و مبانی مربوط به صندوق‌ها و آرایه گزارش مستمر فعالیت‌ها صندوق به اعضا - توجه ویژه به نحوه مدیریت اثربخش صندوق‌ها
ضعف سیستم وام‌دهی و مقررات مالی	<ul style="list-style-type: none"> - ارزیابی درست از مبالغ وام، مدت زمان بازپرداخت وام با به کارگیری مشاوره مالی - تعیین میزان و مدت زمان تسهیلات براساس نیازهای واقعی اعضا. - افزایش سرمایه صندوق و سرمایه گذاری دولت، و تبدیل وام های مصرفی به وام های تولیدی در جهت کاهش مصرف در جامعه و افزایش تولید و کسب درآمد از تولید و در نتیجه کاهش فقر - توجه به زمینه‌های سرمایه‌گذاری پربازده از طریق وام‌های دریافتی جهت تضمین توانایی بازپرداخت وام‌ها از سوی اعضا
عدم مشارکت و اعتماد اعضا صندوق‌های اعتبارات خرد	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به سازوکارهای جلب و افزایش اعتماد اعضا به یکدیگر و مسئولان صندوق - آموزش‌های توجیهی و مقدماتی در خصوص موضوع مشارکت، اهمیت مشارکت و... قبل از تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد با انجام نیازسنجی - آموزش شیوه‌های مدیریت مشارکتی به هیئت مدیره
عدم تجهیز پس اندازها توسط هیئت مدیره	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش سرمایه و تجهیز منابع صندوق‌ها به نحو مطلوب و مناسب



منابع

۱. قربانی، محمد. نعمتی، امین. (۱۳۹۰)، تامین مالی خرد: مفهوم و تجربه‌های جهانی، کهنسال، محمدرضا، تامین مالی کشاورزی (اصول و مبانی)، نشر دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۵-۱۱۹.
۲. مافی، فرزانه. (۱۳۸۵)، اعتبارات خرد؛ ویژگی‌ها، تجارب، ملاحظات، راهبردها، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. ۳۸.
۳. محمد قلی‌نیا، جواد. فرید، هادی. فرجی، اسماعیل. (۱۳۸۴)، عوامل موثر بر عدم موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی (مطالعه موردی استان‌های مازندران و کرمانشاه)، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقر زدایی، ۲۰-۱۹ آذرماه، تهران، ۳۸۱-۳۴۹.
۴. بختیاری، صادق. (۱۳۸۹)، مالیه خرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی، مجله دانش و توسعه، ۱۷(۳۰): ۲۱-۱.
۵. خزایی، علی. (۱۳۷۹)، تضعیف جایگاه بانک کشاورزی در اعتبارات روستایی و ایجاد صندوق مشارکت زنان روستایی، مجله جهاد، ۱۹(۲۳۱-۲۳۰): ۷۱-۶۶.
۶. رحیمی، عباس. (۱۳۹۲)، راه حلی مناسب برای ارتقاء معیشت خانوارهای روستایی، باشگاه خبرنگاران.
<http://www.yjc.ir/fa/news/4334900>
۷. حسن‌زاده، علی، زوجی، علاءالدین، قویدل، صالح. (۱۳۸۵)، بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی، اقتصاد اسلامی، ۶: ۶۹-۴۵.
۸. صفری‌شالی، رضا. (۱۳۸۰)، نقش توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی، ۱ اسفند ماه، تهران، ۱۳۸-۱۱۳.
۹. طالب، مهدی. نجفی‌اصل، زهره. (۱۳۸۶)، پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب(س) در روستاهای بوئین زهر، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۰(۳): ۲۶-۱.
۱۰. علاءالدینی، پویا. جلالی موسوی، آزاده. (۱۳۸۹)، ارزیابی اثربخشی برنامه‌ی پشتیبانی خدمات خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران، مجله توسعه روستایی، ۲(۲): ۷۶-۶۱.
۱۱. کرمی، زهرا. مهدی‌پور، رابعه. (۱۳۹۰)، نقش اعتبارات در اشتغال زنان، مجموعه چکیده مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌های بخش تعاون در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، ۲۸-۲۷ فروردین جزیره کیش، چاپ اول، ۳۳.
۱۲. جلالی موسوی، آزاده. (۱۳۸۶)، بررسی اثر برنامه‌های تامین مالی خرد در کاهش فقر خانوار: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی شهرستان سلماس و طرح پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا در شهرستان سنندج، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۳. زارع، بیژن. میرباقری، اکرم‌السادات (۱۳۹۱)، مطالعه مطالعه عوامل فردی اجتماعی مؤثر بر گرایش به مشارکت زنان روستایی در صندوق اعتبارات خرد استان مازندران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۶): ۴۳۱-۳۹۹.



۱۴. معظمی، میترا، رحیمی، عباس، طائفه حیدری، اعظم، (۱۳۸۴) " بررسی پوشش و پایداری برنامه‌های اعتباری خرد) مطالعه موردی صندوق اعتباری خرد برای زنان روستایی)" مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقر زدایی، ۲۰-۱۹ آذرماه، تهران، صفحه ۳۲۹-۳۰۹.

15. Alam, M. (2012). The limitation of micro credit for promoting micro enter prices in Bangladesh, *Rafiqul Islam Molla Economic Annals*. 192: 41-53.
16. Khandker, R (2005), Microfinance and poverty: evidence using panel data from Bangladesh. *World Bank Economic Review*. 19: 1-25
17. Khavul, S. (2010). Microfinance: Creating Opportunities for the Poor. *World Development*. 57-71
18. Ahsan, M. & Rahaman, M. (2006). Recovery Rates of Micro-Credit: A Study on Rural Women Participators, *Journal of Business Studies, Southeast University*.. 2:1.
19. Mayox, L. (1997). The magic ingredient? Micro finance and women's empowerment. A briefing paper prepared for the Micro Credit Summit, Washington: ActionAid UK. Available on: www.solutionexchange-un.net.in/mf/comm_update/res-09-070907.
20. Rahman, A. (1998). Micro-credit Initiatives for Equitable and SustainableDevelopment: Who Pays? *World Development* 27(1): 67-82.
21. Westover, j. (2008). The Record of Microfinance: The Effectiveness Ineffectiveness of Microfinance Programs as a Means of Alleviating PovertyElectronic. *Journal of Sociology*: 1198- 3655.1-9.
22. Anwar ,T. (2013). Does Microfinance Really Empower Women? *Economic and Social Review*.60:120-142.
23. Swaminathan, H. (2010). Impact of Access to Credit on Labor Allocation Patterns in Malawi, *World Development* 38: 4.